

سهم عمده و تقریباً ۷۰ درصد جمعیت غیرفعال زنان، دلیل اصلی رامنشولیت شخصی و خانوادگی مطرح می‌کنند. این موضوع به بعد اجتماعی و غفلت‌های سیاستگذاری برمی‌گردد. برای زنی که تحصیل کرده و مهارت لازم را هم دارد، باید ابزارهای نهادی را تقویت کنیم که همزمان بتواند نقش خود را به عنوان مادر خانواده داشته باشد و به این ترتیب مسائل شخصی و خانوادگی اش رفع و رجوع شود و در کنار آن بتواند نقشش را در عرصه تولید و اقتصاد کلان ایفا کند

یا غیرفعال. زنان ما نیمی از جمعیت در سن کار هستند. یعنی ترکیب جمعیت به گونه‌ای است که هر سال نصف جمعیت در سن کار ما، زن و نصف مرد است اما می‌بینیم نوع ترکیبی که وارد بازار کار می‌شود در بین جمعیت فعال زنان سهم کمی دارند.

یک سؤال برایم ایجاد شد؛ یعنی جمعیت زنان خانه‌دار همه نیروی غیرفعال محسوب می‌شوند؟

بستگی دارد. ما این اطلاعات را بر اساس طرح پرسشنامه مرکز آمار ایران، استخراج می‌کنیم. در این طرح هم از افراد سؤال می‌کنند که شما تمایل به کار دارید یا نه؟ ممکن است مثلاً یک فرد خانه‌دار باشد خودش را به عنوان شاغل حساب کند و بگوید من شاغلم منیع درآمد دارم و کار می‌کنم. یکی هم ممکن است اصلاً خود را شاغل معرفی نکند و بگوید من اصلاً تمایل به کار کردن ندارم. در آمار یک مقدار ارباب داریم، یعنی ممکن است یک فرد با اینکه خانه‌دار است یک شغل خانگی هم داشته باشد ولی با این حال خودش را شاغل نداند اما عدم تمایل زنان برای ورود به بازار کار دلایل مختلفی دارد.

بنابراین بخشی از پایین بودن نرخ مشارکت زنان به عدم تمایل آنها برمی‌گردد و این موضوع هم برخاسته از سیاستگذاری‌های این حوزه است. دیگر چه علتی وجود دارد؟

چند فاکتور در بحث آمارگیری این موضوع وجود دارد؛ یک فاکتور این است که فرد در پاسخ پرسشنامه بگوید من ادامه تحصیل می‌دهم و تمایل به ورود به بازار کار ندارد. این فرد غیرفعال است. دیگری می‌گوید من مسئولیت شخصی دارم و این هم بازمی‌شود جمعیت غیرفعال. یک عده هم می‌گویند از بازار کار ناامید هستند و این برمی‌گردد به سیاست‌هایی که وجود دارد. شخص چشم‌اندازی نمی‌بیند و نهایتاً از بازار کار بیرون آمده است.

وقتی در بین زنان علت عدم تمایل را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم سهم عمده و تقریباً ۷۰ درصد جمعیت غیرفعال زنان، دلیل اصلی رامنشولیت شخصی و خانوادگی مطرح می‌کنند. این موضوع به بعد اجتماعی و غفلت‌های سیاستگذاری برمی‌گردد. برای زنی که تحصیل کرده و مهارت لازم را هم دارد، باید ابزارهای نهادی را تقویت کنیم که همزمان بتواند نقش خود را به عنوان مادر خانواده داشته باشد و به این ترتیب مسائل شخصی و خانوادگی اش رفع و رجوع شود و در کنار آن بتواند نقشش را در عرصه تولید و اقتصاد کلان ایفا کند.

این ابزارهای حمایتی شامل مواردی است مانند کار نیمه‌وقت و پاره‌وقت بانوان، وجود مهد کودک در محل کار که مادر امنیت فکری داشته باشد و بتواند به او سر بزند و کارش را هم انجام دهد یا مثلاً ابزارهای دیگر مثل پرستار کودک. در خیلی از کشورهای پیشرفته ما نهادهای تقویتی را داریم. در نظام تصمیم‌گیری ما اگر کار زنان حمایت کردیم، حمایت در آن حد بوده که نتیجه معکوس داده است و کارفرما تمایلی به استخدام ندارد. نمی‌شود گفت خانم‌ها کار کنند ولی از سوی دیگر ده تا شرط هم برای کارفرما بگذارید. وقتی توازن را رعایت نکنیم باعث می‌شود کارفرما مخصوصاً در بخش خصوصی اصلاً رغبت به نیروی کار زن نداشته باشد. معمولاً زنان مجردی که بچه نداشته باشند را استخدام می‌کنند. باید به این قضیه انعطاف بدهیم، یک سری ابزارهای نهادی را تقویت کنیم که برای کارفرما هم هزینه سنگینی نداشته باشد. مثلاً یک زن در یک کار پاره‌وقت و به تناسب آن دستمزد دریافت می‌کند.

متأسفانه وقتی قوانین را رصد می‌کنیم، رویکرد غالب صرفاً حمایتی است. یعنی دیدگاه این نیست که یک زن پرورش داده شود یا آموزش ببیند تا بتواند در مسیر توسعه قرار گیرد.

رویکرد این بوده که زن به عنوان قشری از جامعه حضور دارد و چون آسیب‌پذیر است نیازمند حمایت است. اکثر مواد قانون برنامه ششم توسعه با این رویکرد است؛ مثلاً گروه‌های هدف زنان در اتخاذ سیاست‌ها، سرپرست خانوار، زنان محروم یا دارای معلولیت است. مانند بندت ماده ۲ قانون برنامه ششم توسعه (توانمندسازی محرومان و فقرا با اولویت زنان سرپرست خانوار)، بندت ماده ۸۰ قانون حمایت از زنان سرپرست خانوار، ماده ۱۰۱ قانون بهره‌مندی جامعه از سرمایه انسانی زن در توسعه پایدار و متوازن با سازماندهی و تقویت جایگاه سازمان امور زنان و خانواده و ماده ۱۰۳ قانون برنامه ششم توسعه در خصوص بیمه اشتغال زنان خانه‌دار است. اینها چند قانون مهمی هستند که صرفاً رویکرد حمایتی دارند. بنابراین رویکرد تولیدی در قوانین ما مورد غفلت واقع شده است. در رویکرد اشتغالی ما فعلاً قانون حمایت از مشاغل خانگی را داریم که در سال ۸۹ به تأیید شورای نگهبان رسید و همچنین قانون خدمت نیمه‌وقت بانوان را داریم.

بنابراین در بحث قوانین ما شاهد این هستیم که ارزشگذاری روی زنان منجر به وجود قوانین حمایتی شده که صرفه استخدام و بکارگیری آنها را برای کارفرما پایین آورده است. در واقع در ترازوی کارفرما و معادلات اقتصادی، آنچه مورد اهمیت است فعالیت نیروی کار برای سود بیشتر است و این مستلزم حذف برخی حمایت‌ها و ایجاد شرایط برابر است یا توجه به اقتضانات و نقش زنان برای اشتغال و مشارکت اقتصادی، حاکمیت معادلات را طوری بچیند که ذی‌نفعان ماجرا متضرر نشوند. حالا برگردیم به موضوع اصلی؛ لطفاً از وضعیت کنونی مشارکت و اشتغال زنان ایرانی بگویید.

نرخ مشارکت یعنی ورود زنان به بازار و اینکه میزان تمایل آنها برای ورود به بازار کار چقدر است. آنچه از داده‌های آماری می‌بینیم مشخص می‌کند که نرخ مشارکت زنان همواره پایین‌تر از نرخ مشارکت مردان است، یعنی اگر میانگین مشارکت مردان ۴۰ یا ۶۰ درصد است، نرخ مشارکت زنان حدود ۱۷ درصد است که نرخ مشارکت بسیار پایینی محسوب می‌شود. اگر شعار سال را در نظر بگیریم که مهارت‌ورم و رشد تولید است؛ باید علاوه بر مردان به فکر زنان هم باشیم. به نظر می‌رسد مردان حداکثر مشارکت خودشان را در بازار کار دارند پس ما می‌توانیم اینجا پتانسیل خانم‌ها را نیز در نظر بگیریم. اهمیت مشارکت اقتصادی زنان به دلیل بحث‌های افزایش تولید است و قسمت دیگر هم این است که اگر ما به دنبال کار شایسته هستیم و در قوانین برنامه‌های توسعه آن را مطرح می‌کنیم، یکی از محورهای آن، بحث رفع تبعیض است. زن و مرد باید بتوانند متوازن و متعادل در اقتصاد و در بازار کار حضور داشته باشند. نکته دیگر اینکه مشارکت پایین زنان تبعات بعدی هم دارد. اگر سطح درآمدی زنان ما پایین باشد، بر نظام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نیز اثر می‌گذارد. باید بررسی کرد که چه اقداماتی در عرصه سیاستگذاری برای جبران و افزایش نرخ مشارکت تدارک دیده شده است. می‌شود سلبی هم نگاه کرد که اصلاً چه سیاست‌هایی سبب شده است که نرخ مشارکت کاهش یابد.

تا سال ۹۳ جمعیت غیرفعال ما رو به افزایش بود. یکی از دلایل این موضوع نیز تبلیغاتی بود که برای آموزش عالی می‌کردند. جوان‌ها همه به دنبال تحصیلات بودند و جمعیت غیرفعال ما سال ۸۴ تا ۹۳ تا ۶ میلیون زیاد شد. از ۹۳ تا ۹۸، جمعیت غیرفعال روند نزولی دارد و جمعیت فعال، مخصوصاً زنان، افزایش پیدا می‌کند. حتی سهم جمعیت فعال زنان از کل، در